

الأمور التي لا يكون الفعل معها إلا قاصراً

و هي عشرون

و الستة و الباقية: أن تدل

على سجية

ك: لَوْمٌ و جَبْنٌ و شَجَعٌ

بين این ملاك و ملاك اول عموم و خصوص من وجه است زیرا ملاك اول سجيه و شبيه سجيه بود ولی این قسم فقط سجيه است قسم اول فقط بر وزن فَعْل بود ولی در این قسم وزن خاصى شرط نیست

خوشحال و فرحناک است

أو على عَرَضٍ [أي غير ذاتي]

ك: فَرَحٌ و بَطْرٌ و أَشْرٌ و حَزَنٌ و كَيْلٌ

أو على نظافة

ك: طَهَّرَ و وَضُوْ

منظور از دنس چرك باطنی نیست بلکه منظور چرك ظاهری است که قابل زوال است به سرعت

أو دنس

ك: نَجِسَ و رَجِسَ

أو على لون

ك: أدم و اخضرٌ و اِحمرٌ و اِحمرارٌ و اِسوادٌ

گندمگون و سبزه است

منظور اوصاف ظاهری است در مقابل سجایا که اوصاف باطنی اند

أو حلية

ك: دَعَجٌ و كَحْلٌ و شَبَبٌ و سَمْنٌ

چشم درشت است، چشم سر مه ای است (یعنی سیاهی چشمش غالب بر سفیدی است) و سفید دندان و زیبا بود و غیر نحیف است

اشکال دسوقی به مثال اخیر: این مثال دلالت بر حلیه ندارد

فعلی که مطاوع فعل یک مفعولی باشد

مثال

کسترته فانکسر

مثال شما از باب انفعال است و قبلا باب انفعال گذشت پس این مورد تکراری است

این قلت

اولا این علامت، علامت معنوی است و آن علامت علامت لفظی است پس با هم فرق دارند

قلت

ثانیا این امر اختصاص به باب انفعال ندارد بلکه در باب تفاعل و تفاعل نیز جاری است

نکته

قانون در باب مطاوعه این است که فعل مطاوع یک مفعول از فعل مطاوع کمتر دارد

این قلت

گاهی مطاوع و مطاوع با هم در تعداد مفعول مساویند همانطور که این بری نیز این نکته را گفته است؛ مانند: استخبرته الخبر فأخبرني الخبر و استفتيته فأفتاني

قلت

این مثال ها از باب طلب و اجابه است نه از باب مطاوعه

جمع بندی

رباعی مزید: باب تفاعل و افعال و افعال

تضمن معنای فعل لازم در فعل متعدی اذاعوا به اذاع متعدی است ولی متضمن فعل تحدث است که لازم است

افعال سجایا بر هر سه وزن فَعْل و فَعْل و فَعْل: البتة وزن فَعْل داخل در امر اول است

افعال عَرَض یعنی افعالی که دلالت بر امور سریع الزوال می کند

مانند فرح و بطر

افعال نظافت طهّر

افعال دنس نجس

افعال رنگ اخضر

افعال زینت كحل